



۲۸۹

پیام امروز

شماره سی و نهم - اردیبهشت ماه ۱۳۷۹
ماهنامه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی



« پیام امروز » : ۱- پس لرزه های ۲۹ بهمن
۲- نطق آتشین هاشمی - انتقام ، انتحار
یا فداکاری ؟



پیام آن کجسان با کفرت آمو



قهرست	۳	طرح روی جلد: محمد رامهریزی
یادداشت سردبیر	۴	عکس: مجید سعیدی، حسن سربخشان، نیوشا توکلیان
ایران چند موضوع		
یک فصل توفانی		پیام امروز
نطق آتشین هاشمی، انتقام، انتحار یا فداکاری		اردیبهشت ۱۳۷۹
مدرک خود من هشتم	۱۴	ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
اطلاعه شماره بازده	۱۶	صاحب امتیاز و مدیر مسئول
آواز کشتگان	۱۹	دکتر محمد زاهدی اصل
تحریریه های خاموش	۲۴	
کندوکاو		
ناخوانده در ضیافت عالیجنابان	۲۸	سردبیر: حمید ناآینی
گفتگو		
قوه قضائیه نباید کارگزار سیاست باشد	۳۵	دبیر هنری: مرتضی ممیز
گزارش ویژه		طراح: اردشیر رستمی
از سایه به روشایی و نقش آن گلوله	۴۰	عکس ها از: حسن سربخشان، جواد منتظری، نیوشا توکلیان، مجید سعیدی
کشاورزی	۴۶	
با این امکانات کاری از دست ما بر نمی آید		سرپرست: آتلیه: حمدهاله بدایغی
گزارش ویژه		
کنفرانس برلین، یک بستر و دو رؤیا	۵۰	آتلیه گرافیک: مژده مشایخی، آزاده خردوز
گفتگو میان ایرانیان از درون و بیرون	۵۱	
آینده ایران چه خواهد شد؟	۵۵	حروفچینی: فهیمه توکلی، میترا تمجیدی
حکومت اصلاح پذیر، حکومت اصلاح ناپذیر	۵۶	
استبداد و عمر تاریخی آن	۵۷	سرپرست چاپ: محمود نیاورانی
ویژگی مطبوعات دوم خردادی	۵۸	
داستان نشر در ایران	۵۹	
الویت های مجلس ششم	۶۱	لیتوگرافی: ارغوان ۸۸۲۷۷۳۷
اعتراض تصویری	۶۳	چاپ مشکی: چاپ گستر ۸۸۲۳۶۵۱
کنفرانس برلین و نوازدی پناهندگان	۶۵	چاپ رنگی: صنوبر ۷۵۰۷۳۹۶ - ۷۵۰۶۱۵۰
واقعیت بی رحم تاریخ	۶۶	صحافی: صبح امروز ۷۵۳۲۱۲۰
نگاه دیگران		
قانون گذاران جوان و «نازه کار»	۶۷	تهران، خیابان دکتر شریعتی
ضرورت بهبود اقتصادی، مایه انصراف از جنگ	۶۸	بالا تر از دوراهی قلهک پلاک ۱۴۷۴ صندوق پستی ۱۵۸۷۵ - ۶۷۴۹
پاک کردن فصلی از تاریخ	۷۰	تلفن: ۲۶۰۰۱۰ - ۲۶۳۸۲۰ - ۲۶۱۷۲۶
سیاست خاتمی: بی اثر کردن زمینه سازی سرکوب	۷۲	فاکس: ۲۶۳۷۳۸
بازتاب	۷۴	
گفتگو		
خواست مردم کردستان مذاکره و آشتی ملی است	۷۹	
مقررات، صادرات، واردات	۸۲	
کتابخانه		
معرفی کتاب	۸۸	
مجلس		
یک نفس علیه مطبوعات	۹۰	
نگاه به بیرون		
جوانی و زندگی تخت گازی	۹۲	
یک موضوع		
سعی می کنیم با نظام عمیقاً دچار مشکل نشویم	۹۵	

سیاه روز

فرم اشتراک در صفحه آخر

ایران
چند موضوع

پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات و ماجراهایی که در پی آمد

پس لرزه های ۲۹ بهمن



ستاد انتخابات وزارت کشور

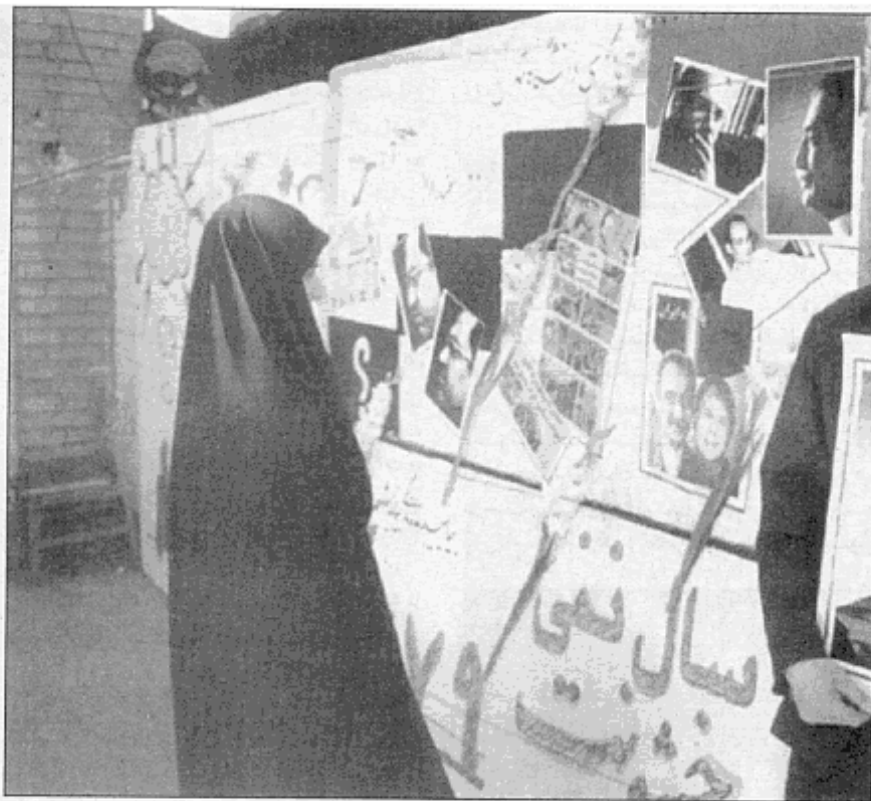
پیش، روزنامه های طرفدار دوم خرداد را واداشته بود که در نگرانی از وقوع رویدادهایی ناگوارتر و پدید آمدن موقعیتی خطرناکتر، برخلاف سنت غیر حرفه ای تعطیلات ۱۳ روزه در سال های قبل، نوبتی منتشر شوند. گنجی و عمادالدین باقی، دو عضو شورای سردبیری روزنامه فتح، در پی شکایت هایی که دلیل عمده آن، نگارش مقاله هایی در باره قتل های زنجیره ای بود، به دادگاه احضار شده بودند. قاضی مرتضوی به سه سال زندان ماشاء الله شمس الواعظین، سردبیر روزنامه توقیف شده نشاط حکم داده بود، و شمس الواعظین در حالی که سردبیری روزنامه عصر آزادگان را برعهده داشت، در انتظار اعلام رأی دادگاه تجدید نظر بود. از یک سو خبر رسید که حکم جلب لطیف صفری، مدیر مسؤول نشاط، صادر شده است و از سوی دیگر محمدرضا خاتمی، مدیر مسؤول روزنامه مشارکت و نماینده اول تهران در نخستین روز بعد از تعطیلات به دادگاه مطبوعات فراخوانده شد تا به این ترتیب مدیران مسؤول روزنامه های طرفدار دوم خرداد، که دیگر تقریباً همگی در نوبت دادگاه قرار داشتند، دریا بند در دادگاه مطبوعات در بر همان پاشنه سال پیش می چرخد. کامران، نماینده جناح راست مجلس در هیأت نظارت بر مطبوعات از توقف انتشار صبح امروز، به دلیل وخامت حال سعید حجاریان، سخن به میان آورده بود. طرح اصلاح قانون مطبوعات هم، پس از سه ماه توقف، در دستور کار مجلس قرار داشت، و برخی روزنامه ها، در بدبینانه ترین گمانه زنی ها، پیش بینی کردند

پس از دو ماه جنگ و گریز لطیف صفری مدیر روزنامه تعطیل شده نشاط نیز خود را معرفی کرد و به زندان رفت. در ماهی چنین پرحادثه و پرخطر که از پایان تعطیلات نوروزی آغاز شد ده ها حادثه دیگر نیز در چالش بین اصلاح طلبان و مخالفان نشان شکل گرفت که هر کدام، در شرایطی مانند نیمه دوم سال پیش می توانست روزها موضوع بحث و گفتگو باشد. اما گرمای جنجال کنفرانس برلین و تعطیل روزنامه ها و دستگیری ها - که مقدمات آن از اولین روز کاری سال ۷۹ آغاز شده بود - چندان بود که حوادث دیگر را چنان کم رنگ کرد که اثری از آن بر خاطره ناظران سیاسی باقی نماند. از آن جمله دادگاه متهمان نظامی حمله به کوی دانشگاه و تحولات تازه در پرونده قتل های زنجیره ای و دادگاه متهمان به ترور سعید حجاریان. این سه ماجرا، تمام سال گذشته موضوع روز بود. برخی می گویند آیا خارج شدن این سه پرونده از دید افکار عمومی، همان کاری نیست که در جلسات پنهان روزهای عید، در دید و بازدید چهره های نامدار سیاسی برنامه ریزی شد. اگر چنین باشد باید گفت مخالفان اصلاحات، بعد از شکست در انتخابات مجلس ششم، به یک پیروزی نه چندان کوچک دست یافتند.

از بهار تا پاییز

بهار تازه، از راه رسیده و نرسیده، خبر از سالی داد که روزنامه نگاران و مطبوعات پیش روی دارند. ترور سعید حجاریان، مدیر مسؤول روزنامه صبح امروز، در واپسین روزهای سال

طنزنویس یکی از روزنامه های تعطیل شده اعتقاد دارد که «حوادث اوایل بهار ۷۹ پس دردهای زایمان ۲۹ بهمن سال قبل است، روزی که ازدواج فرخنده نظام و جنبش مدنی در دوم خرداد ۷۶ به ثمر رسید و جنبش فرزندی به نام مجلس ششم به دنیا آورد» به اعتقاد این طنزنویس با وجود آن که پس دردها گاهی شدید و کشنده بود ولی همه نگاه ها به نوزاد است «همه به یکدیگر نصیحت می کنند که آرام باشند و فقط به نوزاد ببینند». در این طنز، شورای نگهبان مامایی فرض شده که فقط با مجوز او نوزاد در آغوش مادر قرار می گیرد و از بیمارستان مرخص می شود. تمامی حوادثی که در نیمه اول بهار رخ داد نتوانست نگاه ها را از نوزاد (مجلس ششم) برگیرد. حوادث تند و پی در پی فروردین و اردیبهشت، بار دیگر دشواری های جنبش اصلاح طلبی را به رخ همگان کشید. رابین کوک وزیر خارجه بریتانیا که قرار بود در هفته دوم اردیبهشت به تهران بیاید، بدون توضیح زیاد سفر خود را به تعویق انداخت و تحلیل و گمانه زنی این تعویق به عهده مفسران روزنامه ها افتاد. چنان که مفسر شبکه جهانی بی.بی.سی آن را با مشکلاتی مربوط دانست که بر سر کار مجلس آینده پیش آمده و در حقیقت نگاه ها را متوجه شورای نگهبان کرد که علاوه بر ابطال حوزه ها و صندوق ها که در همه جا به زبان اصلاح طلبان و به سود محافظه کاران بوده است، نتایج انتخابات تهران را بعد از ۷۰ روز تأیید نکرده است. کارشناس لوموند دادگاه ۱۳ یهودی متهم به جاسوسی برای اسرائیل را عامل اصلی قرار داد و گفت باید منتظر نتیجه آن بود، در این میان عده ای نیز تعطیل ۱۱ روزنامه را با اهمیت دیدند. حادثه ای که چندان با اهمیت بود که تصمیم گیرندگان صبر نکردند تا قانون جدیدی که مجلس پنجم برای مطبوعات تصویب کرد، مراحل قانونی خود را ببیماید بلکه پیشاپیش وارد گود شدند. آخرین حادثه ای که صف آرای بزرگ اصلاح طلبان و محافظه کاران را شکل داد کنفرانس برلین بود که اکبر گنجی را به زندان انداخت و به دنبال وی مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی و علی افشاری از دیگر شرکت کنندگان در کنفرانس روانه زندان شدند حمیدرضا جلالی پور و عزت الله سبحانی نیز با سپردن وثیقه آزاد شدند. یوسفی اشکوری وقتی احضار نامه دادگاه به خانه اش رسید که بیرون از کشور بود. پیش از این سلسله احضارها و دستگیری ها، ماشاء الله شمس الواعظین سردبیر چهار روزنامه اصلاح طلبی که پی در پی تعطیل شدند (جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان) راهی بندی شده بود که قبلاً عبدالله نوری و محسن کدیور در آن جا گرفته بودند و سرانجام



نمایشگاهی از یک تشکل دانشجویی

دفاع از خود مرتکب جعل گردیده، این امر را دلیلی بر مجرمیت متهم در رابطه با اتهام اصلی وی دانسته و از اعمال مجازات مقرر در مواد ۵۲۳ و ۵۳۶ نامبرده را میرا دانستند».

به این ترتیب اتهامی که با توسل به آن شمس الواعظین در دادگاهی غیر مطبوعاتی و بدون حضور هیأت منصفه محاکمه شده بود، منتفی شد، اما دادگاه تجدید نظر در پاسخ به اعتراض او نسبت به عدم حضور هیأت منصفه، توضیحی عجیب تر ارائه کرد. بر اساس این توضیح چون مسئولیت مطالب مندرج در مطبوعات در هر شرایطی بر عهده مدیر مسئول است و اوست که باید الزامات چنین تکلیف سنگینی را برعهده بگیرد، بنابراین از امتیاز محاکمه در حضور هیأت منصفه برخوردار است، اما دلیلی برای تسری این حق به افراد دیگر دخیل در ارتکاب جرایم مطبوعاتی وجود ندارد!

بر این اساس قاضی مرتضوی به محکومیت زندان سه ساله و جریمه ۱۲ میلیون ریالی او حکم داد. شمس الواعظین حکم را نپذیرفت و خواهان تجدید نظر شد. پس از چندی به گفته شمس الواعظین، سعید مرتضوی، قاضی شعبه ۱۴۱۰، تلفنی با او تماس گرفت تا به دادگاه مراجعه و حکم دادگاه تجدید نظر را دریافت کند. در آنجا قاضی مرتضوی به اطلاع شمس الواعظین رساند که حکم قبلی به دو سال و نیم حبس کاهش یافته و در چند روز باقی

به نشاط رسیده و آیا نویسنده واقعی آن حسین باقرزاده است یا فرد دیگری، پرونده را مفتوح نگهداشت و شمس الواعظین را هم به عنوان متهم و هم شاهد بارها به جلسات بازجویی احضار کرد.

در آن دادگاه وقتی وکیل شمس الواعظین توضیح داد که اتهام توهین به مقدسات اسلام و مسلمات قرآنی، یعنی آنچه دادگاه از مفاد مقاله باقرزاده مستفاد کرده بود، به موکلش ابلاغ نشده، قاضی مرتضوی توضیح داد که جرم شمس الواعظین نه جرمی مطبوعاتی، بلکه جعل سند است. به گفته رئیس دادگاه، شمس خود مقاله را نوشته و امضای باقرزاده را در پای آن جعل کرده بود. وارد آوردن این اتهام به شمس الواعظین از سوی آشنایان به مسائل قضایی، این گونه تحلیل شد که قاضی دادگاه مطبوعات می خواهد شمس الواعظین را با عنوانی بجز «جرم مطبوعاتی»، و به دور از نظارت هیأت منصفه محاکمه کند.

به هر حال گرچه بحث عمده در دادگاه پیرامون اتهام جعل در گرفت، ولی در متن حکم دادگاه تجدید نظر، مستمسک محکومیت ۳۰ ماهه شمس الواعظین، «دستور چاپ مقالات موهن به دین اسلام و مقدسات قرآنی» عنوان شد. در دادنامه دادگاه تجدید نظر درباره اتهام جعل هم چنین آمده بود: «هیأت ادرسان دادگاه، ضمن ثابت دانستن این امور به استناد نظریه کارشناسان، به لحاظ این که متهم در مقام

که با تصویب این طرح «۱۰ روزنامه تعطیل شود». جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در اعلامیه ای فضای فرهنگی جامعه در چند سال اخیر را چیزی بجز «آشفته گی دینی و بی نظمی در حوزه اندیشه دینی و ابتذال فرهنگی و تزلزل عقاید ندانسته و از برخی از مطبوعات به عنوان بوق های سخن پراکنی بین المللی و عناصر وابسته داخل و خارجی و ابزار توطئه براندازی یاد کرده بود. این همه بود، اما هیچ کس حدس نمی زد که حادثه اصلی در پیش است: تعطیلی تقریباً همزمان ۱۷ روزنامه و هفته نامه، آن هم با استناد به قانونی مصوب سال ۱۳۳۹ که در آن هیچ اشاره ای به مطبوعات نشده و تا این زمان در هیچ موردی در باره مطبوعات به کار گرفته نشده بود.

در میان خبرهای مربوط به مطبوعات در آغاز سال نو، نخستین خبری که نگاه ها را به خود جلب کرد، گرچه اندکی بعد و در توفان پیاخاسته، از نظرها دور ماند، قطعی شدن محکومیت ۳۰ ماهه شمس الواعظین سردبیر چهار روزنامه اصلاح طلب و توقیف شده جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان بود. شمس الواعظین بلافاصله پس از دریافت حکم خود در مجتمع قضایی، سوار بر یک تاکسی راهی زندان اوین شد تا در بندی جای بگیرد که عبدالله نوری و محسن کدیور در آن روزگار می گذراندند.

جالب آن که پیش از دستگیری، و در جو ناشی از ترور سعید حجاریان شورای امنیت ملی از شمس الواعظین و چند تن دیگری که احتمال ترور آن ها وجود داشت، مصرانه خواسته بود که میان داشتن محافظ یا همراه داشتن سلاح، یکی را انتخاب کنند و حتی به وی گفته شده بود که برای دریافت اسلحه و تجدید آموزش به پادگان حر مراجعه کند. اینچنین بود که یکی از کاریکاتورست های روزنامه های دوم خرداد نیز، که خود در مظان اتهام دادگاه مطبوعات قرار دارد، طرحی از شمس الواعظین در سلول زندان کشید، که در آن کسی به سردبیر عصر آزادگان می گوید شانس آورده ای و دست کم تا دو سال و نیم دیگر زنده ای!

انتشار مقاله «آیا خشونت دولتی مجاز است» به قلم حسین باقرزاده، اتهامی بود که نخست به تعطیلی و محکومیت مدیر مسئول نشاط انجامید و سپس گریبان شمس الواعظین را گرفت. باقرزاده، در این مقاله از تغییر نگرش جهانی نسبت به صدور حکم اعدام سخن به میان آورده و خواستار آن شده بود که در قوانین مربوط به اعدام در کشور ما نیز تجدید نظر شود. قاضی مرتضوی، رئیس دادگاه مطبوعات، بر اساس مفاد همین مقاله حکم به توقیف و سپس تعطیلی نشاط داد، ولی با این عنوان که باید روشن شود مقاله چگونه



امتیاز و مدیر مسؤول تأیید کند.
 هیأت نظارت بر مطبوعات، رأساً اجازه توقیف و لغو امتیاز نشریه را داراست.
 هیأت نظارت می تواند صاحب امتیاز، مدیر مسؤول یا سردبیر یک نشریه یا هر سه را به طور دائم و یا برای همیشه از فعالیت مطبوعاتی محروم کند.
 اگر هیأت نظارت تشخیص دهد که پرونده نشریه ای باید برای رسیدگی به دادگاه ارسال شود، آن نشریه تا زمان تشکیل دادگاه، حال هر زمان که باشد، نباید منتشر شود.
 شورای امنیت می تواند نشریه ای را برای سه ماه توقیف کند. این مدت پیوسته قابل تمدید است.
 دادگاه می تواند رأی هیأت منصفه را، که یک نفر از حوزه عملیه قم و یک نفر به انتخاب

می خواست تا آنجا که می تواند بر مسافرانش بیفزاید، لیکن کسانی کوشیدند حتی به قیمت زندانی کردنش، او را از این قطار پیاده کنند.

قانونی تنها برای یک فصل

دومین خبر، تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات در مجلس بود: آن هم تماماً منطبق بر نظرات جناح راست. بسیاری بر این باور بودند که چون به زودی عمر مجلس پنجم به سر می رسد و اکثریت کنونی، در مجلس آینده اقلیتی شکننده خواهد داشت و این قانون عمری کوتاه، تصویب آن با جدیت پیگیری نخواهد شد، اما حتی پیش بینی ها درباره طولانی شدن زمان بحث در صحن مجلس هم درست از کار در نیامد و طرحی که روزنامه نگاران و صاحب نظران حقوق

مانده به اجرای حکم او می تواند با استناد به ماده ۳۱ دادستانی کل کشور خواهان توقف اجرای حکم شود، اما به هنگام خروج شمس الواعظین از مجتمع ویژه، مأموران راه را بر او بستند و ضمن ابلاغ حکم، وی را به زندان اوین منتقل کردند تا ۹۱۶ روز حبس خود را (تا پایان ۱۳۸۱) آنجا بگذرانند.
 شب همان روز، شمس الواعظین از بند ۳۲۵ زندان اوین و اتاقی که غلامحسین کرباسچی بخشی از دوران محکومیت خود را در آن گذرانده بود، با تحریریه عصر آزادگان تماس تلفنی گرفت و وضعیت خود را برای همکارانش توضیح داد. او گفت که اجازه یافته هر روز حدود یک ربع با کسانی که مایل است تلفنی صحبت کند و فرمی در اختیارش قرار گرفته تا فهرست روزنامه هایی را که می خواهد در آن بنویسد.

کسانی که در هنگام انتشار جامعه با شمس الواعظین در اتاق کارش دیدار داشتند، «وایت برد»ی را به یاد می آورند که طیفی بر آن نقش بسته بود، در یکسو انصار حزب الله و هیأت مؤتلفه و در سوی دیگر آن نام آیت الله منتظری و نهضت آزادی. شمس الواعظین برای پرسندگان توضیح می داد که روزنامه جامعه می خواهد تمامی نیروهای سیاسی غیر برانداز نظام جمهوری اسلامی را پوشش دهد و استدلال می کرد که دوم خرداد ۱۳۷۶ سبب گردیده بسیاری از افرادی که تا آن زمان از قطار جمهوری اسلامی پیاده شده بودند، بار دیگر بر آن سوار شوند. در یکی از همین دیدارها، روزنامه نگاری بحثی را در برابر سردبیر جامعه قرار داد: شاید دوم خرداد



یکی از یهودیان متهم به جاسوسی به پرسش های خبرنگاران پاسخ می دهد

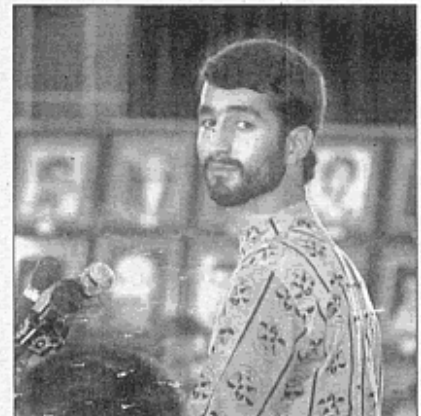
ستاد ائمه جمعه به ترکیب آن اضافه شده و با حضور هفت عضو از ۲۱ عضو تشکیل می شود، نپذیرد.
 تنها مدیر مسؤول، مسؤول مطالب منتشر شده نیست، بلکه نویسنده و تمامی کسانی که به نوعی در انتشار مطلب دخالت داشته اند، قابل تعقیب هستند.
 خلاصه مواد قانون جدید به گونه ای است که هر دادگاهی، دادگاه مطبوعات، انقلاب، ویژه روحانیت و ... می تواند هر یک از دست اندرکاران فعالیت های مطبوعاتی را به هر ترتیبی که بخواهد محاکمه و درباره آن حکم صادر کند.

توفان

نه به زندان افتادن شمس الواعظین، نه تصویب طرح مطبوعات و نه احضارها و محاکمات و تهدیدهای دیگر، هیچ یک در

مطبوعات، آن را در سراسر تاریخ مطبوعات کشورمان «بدترین» می دانستند، در اندک زمانی به تصویب رسید. نمایندگان اقلیت مجلس، هم بر اثر پراکندگی و تشتتی که از زمان انتخابات ۲۹ بهمن میان دو جناح کارگزار و گرایش چپ پدید آمده و هم به این خاطر که احساس می کردند نمی توانند کاری از پیش ببرند، در موضعی انفعالی نسبت به تصمیم اکثریت امیدها را به مرگ زودرس قانون تازه بر اثر تصمیم مجلس ششم احاله کردند. به هر حال تا آن زمان قانون مطبوعاتی خواهیم داشت که در آن:

سردبیران و مدیران بخش های مختلف یک نشریه، باید به وزارت ارشاد معرفی شوند و هیأت نظارت بر مطبوعات، که یک نفر از حوزه علمیه و یک نفر از سازمان تبلیغات اسلامی به ترکیب آن اضافه شده است، صلاحیت آن ها را همچون صلاحیت صاحب



سعید عسگر ضارب سعید حجاریان

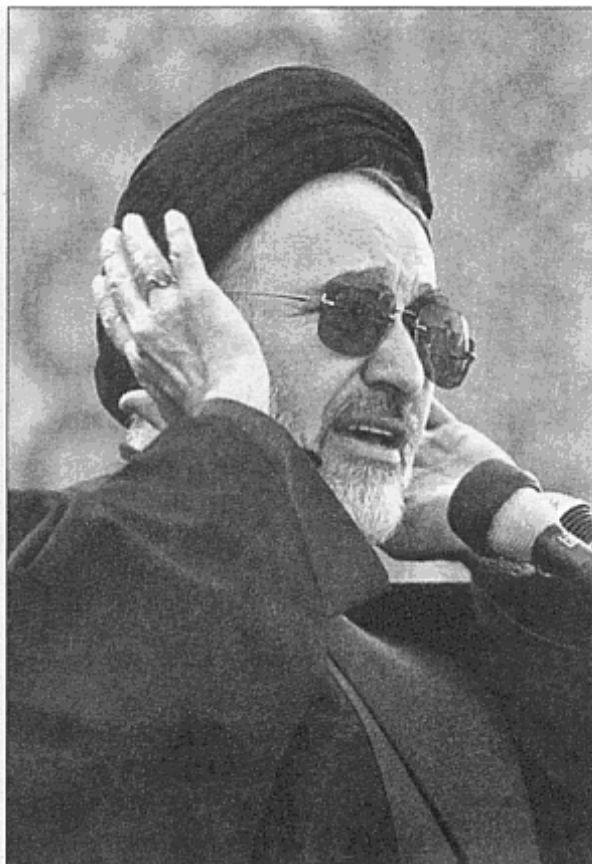
شاهدی باشد بر اینکه بسیاری کسان از قطار جمهوری اسلامی پیاده شده اند ماشاء الله شمس الواعظین اگر هر ۳۰ ماه را در زندان بگذرانند، قطعاً بسیار به این گونه مباحث خواهد اندیشید: به ویژه به قطاری که او



خواهد شد: «این مطبوعات هر چه بیشتر باشند، بهتر است، اما امروز مطبوعاتی پیدا می شوند که همه همتشان تشویش افکار عمومی، ایجاد اختلاف و بدبینی در مردم و خوانندگانشان نسبت به نظام است. ۱۰، ۱۵ روزنامه، گویا از یک مرکز هدایت می شوند، از تیترهای شبیه به هم در قضایای مختلف استفاده می کنند، قضایای کوچک را بزرگ جلوه می دهند و تیترهایی استفاده می کنند که هر کس به آن ها نگاه کند تصور می کند که در این کشور همه چیز از دست رفته است.»

مقام رهبری در جمع بندی صحبت های خود به ذکر این نکته هم پرداخت که مایل نبوده اند با این صراحت و تفصیل درباره بعضی از مطبوعات حرف بزنند و در واقع ناگزیر شده اند: «من با مسئولان صحبت کردم. رئیس جمهور محترممان هم مثل من از مطبوعات ناراحت است؛ من با ایشان هم صحبت کرده ام. شنیدم ایشان بعضی از این ها را جمع کرده اند، نصیحت کرده اند و به آن ها حرف هایی زده اند. من نمی دانم آیا کار با نصیحت پیش می رود یا نه؛ بعید می دانم وقتی که دشمن برای اثرگذاری بر روی اذهان برنامه ریزی کرده، فرصت نمی دهند که مردم نفس بکشند.»

بجز جلسه صحبت رئیس جمهور با سردبیران روزنامه ها که در آن آقای خاتمی خواسته بود که مطبوعات بیش از پیش حساسیت های موجود در جامعه را رعایت کنند و بکوشند از دامن زدن به التهاب پرهیز کنند، در جلسه ای نیز که قبل از نوروز به دعوت وزیر ارشاد تشکیل شده بود، علی ربیعی به نمایندگی از سوی شورای امنیت ملی و رئیس جمهور چنین خواسته ای را با مدیران مسئول روزنامه ها در میان گذاشته بود و حتی موضوعاتی را که شورای امنیت به صلاح نمی دانست که مطبوعات گرد آن بگردند (در نظر گرفتن تعلقات مذهبی در جامعه، حفظ حرمت روحانیت، نپرداختن به قتل هایی بجز چهار قتل رسماً پذیرفته شده، تعمیم دادن پروژه قتل ها به سال های قبل از ۱۳۷۶، بحث در باره وضعیت زندان ها قبل از سال ۱۳۶۸ و ...) برشمرده بود. حتی دو هفته نامه صبح خبر داد که تعطیلی قبل از عید روزنامه آریا به دستور رئیس جمهور صورت گرفته است و در توضیح ادعای خود از قول منابع موثق نوشت: دستور توقیف آریا «به دنبال درج مصاحبه سردبیر ایران فردا در آریا صورت گرفت که فراز مهم آن چنین بود: به نظر من راه حل اصلی حل این پرونده (قتل های مشکوک) رفتن به گذشته و باز کردن پرونده اعدام وسیع زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ است که باید تمامی کسانی که در آن پرونده مشارکت داشتند در اولین قدم بر کنار و خانه نشین



مجموع خارج از روند معمول فعالیت مطبوعاتی در کشورمان نبودند. حتی می توان گفت روزنامه نگاری کشورمان به تدریج به این حوادث خو گرفته و چه بسا روزنامه نگاران با تجربه تر از این رویدادها به عنوان «نمک» کار یاد کنند. اما وقتی به یک اشاره هفته روزنامه و هفته نامه توقیف و صدها روزنامه نگار و کارکنان مطبوعات بیکار می شوند و صدها هزار مردمی که عادت کرده اند هر روز صبح اول وقت دو سه روزنامه را بخورند و بخوانند در برابر پیشخوان بی فروغ روزنامه فروشی ها با حسرت به نظاره می ایستند و آن چه را که می جویند نمی یابند و آن چه را که می یابند نمی خواهند حکایت، حکایت دیگری است.

کسانی که ساعت ۱۰ شب روز سی ام فروردین تلویزیون خود را روشن کردند، ناگهان

خود را نظاره گر گزارشی یافتند که نمایش آن در سیمای جمهوری اسلامی در تمامی سال های پس از انقلاب سابقه نداشت. این گزارش نیم ساعته، گزیده ای از ۱۶ ساعت سخنرانی شرکت کنندگان در کنفرانس «ایران پس از انتخابات» بود که در شهر برلین آلمان و به دعوت بنیاد «هاینریش بل» برگزار شده بود. آنچه از تلویزیون پخش شد، چند جمله ای از برخی سخنرانان دعوت شده از ایران و بقیه صحنه های اعتراض ایرانیان مقیم خارج به سخنرانان، شعار علیه جمهوری اسلامی، رئیس جمهور، هیاهو و دعوا، رقص یک خانم ایرانی و نگاتیو برهنه شدن یک مرد بود. چه بسا کسانی که در لحظات اول تماشای این گزارش، دچار تردید شدند و به گیرنده های تلویزیونی خود دست هم زدند!

پخش صحنه هایی از کنفرانس برلین، باز هم بنا به تجربه مردم از موضوعاتی چنین، در ذهن بسیاری این نگرانی را ایجاد کرد که باید در انتظار حادثه ای باشند. صبح روز سی و یکم فروردین، گرچه تقریباً همگان از پخش فیلم و شگفت زده شدن خود صحبت می کردند، اما در میان روزنامه های دوم خرداد تنها مشارکت فرصت یافته بود که چاپ نخست خود را متوقف کند و در خبر - یادداشتی اعتراض آمیز در صفحه اول خود به پخش فیلم اشاره کند و آن را به ویژه در شب های محرم و عزاداری شبهه انگیز بخواند. در افواه این

شایعه رواج داشت که احتمالاً قرار بوده در پی نمایش فیلم اتفاقاتی در سطح شهر نیز بیفتد که با صلاح اندیشی هایی موضوع متوقف شده است، لیکن نمایش دوباره و چند باره فیلم، نشان داد که دست کم بخش پایانی شایعه نادرست بوده است.

در فضایی اینچنین نگاه ها، متوجه برگزاری مراسم دیدار جوانان با آیت الله خامنه ای، گردید که از هفته ها قبل تدارک دیده شده بود. آیت الله خامنه ای نخست از جوانان، توانایی و قابلیت های آن ها گفتند و مسئولیتی که نسبت به آن ها برعهده نظام است، سپس بحث سلطه طلبی آمریکا به میان آمد و هشدار که مبادا خامی کسانی، از حساسیت های مردم نسبت به این دشمن دیرینه بکاهد. در فراز پایانی، آیت الله خامنه ای، بی هیچ اشاره ای به کنفرانس برلین، بحث درباره مطبوعات را آغاز و گرچه با لحنی توأم با رنجیدگی اما با آرامش اظهار داشتند:

«بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه های دشمنند؛ همان کاری را می کنند که رادیو و تلویزیون های بی. بی. سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می خواهند بکنند»

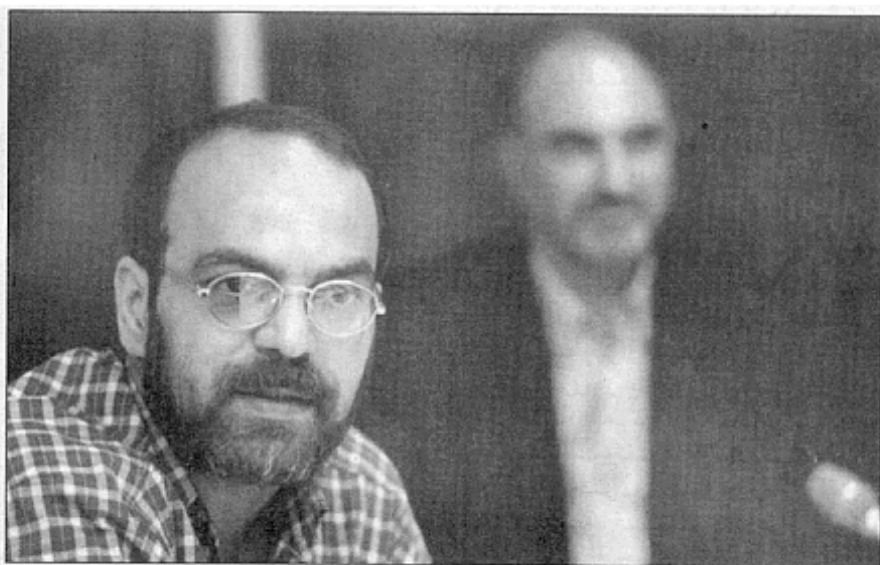
رهبر انقلاب سپس از موافقت خود با آزادی مطبوعات و تنوع مطبوعات سخن گفت و این که اگر به جای ۲۰ روزنامه، ۲۰۰ روزنامه هم در ایران منتشر شود، ایشان خوشحال تر

نیروهای دوم خرداد به همراه روزنامه های باقی مانده صبح امروز، مشارکت، بیان و اخبار اقتصاد به انتقاد و اعتراض علیه تصمیم قوه قضاییه پرداختند و آن را مغایر با خواست مردم، موازین دموکراسی، در جهت منافع جناح اقتدار طلب، زمینه ساز اقدامات خشونت ساز بعدی و مقدمه ابطال انتخابات مجلس ششم دانستند. در مقابل جناح راست، به همراه مطبوعات خود و رادیو و تلویزیون که از زمان نمایش فیلم کنفرانس برلین، آشکارا تمایل خود را به محافظه کاران نمایانده بود، از تعطیلی نشریات استقبال و یا حداقل ضمن ابراز تأسف آن را اجتناب ناپذیر دانسته بودند. روزنامه جمهوری اسلامی، در سرمقاله ای حتی تا آن جا پیش رفت که نوشت از رهبری نظام برای همیشه پذیرفته نیست که صرفاً به گله گذاری از مطبوعات بسنده کند.

در بیانیه روابط عمومی دادگستری استان تهران درباره علت صدور دستور توقیف موقت نشریات آمده بود که «به دفعات مکرر از مجاری مختلف در زمینه لزوم هوشیاری صاحبان مطبوعات ... تذکر و هشدار داده و از آنان خواسته شد که عوامل نفوذی را از خود طرد کنند و اجازه ندهند بر خلاف قانون و مقدسات این ملت شهید پرور مطالبی در نشریات آنان درج گردد. لیکن متأسفانه معدودی از این افراد نه تنها به تخلفات خود ادامه دادند، بلکه روز به روز گستاخانه تر و همصدا با دشمنان قسم خورده مطالبی را علیه مبانی اسلام، انقلاب، ارزش ها، وحدت ملی و مصالح و منافع مردم منتشر کرده اند.» تا این جای بیانیه بیانگر ادبیاتی تازه و دور از انتظار نبود، لیکن در بیان مستندات تعطیل نشریات از اصطلاحات و واژه هایی که تا کنون به آن ها ارجاع داده می شد استفاده نشده بود بلکه از اصطلاحاتی مدد گرفته شده بود که کمتر کسی از آن ها اطلاع داشت:

«پس از تذکرات مکرر به این دسته از نشریات متخلف و انجام اقدامات تأمینی مکرر برای جلوگیری از وقوع و تکرار جرم و با توجه به شکایات وارده و نیز با استفاده از محتویات پرونده های متشکله دال بر اصرار به تخلف از مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ به منظور پیشگیری از وقوع جرائم بعدی که اثرات سوئی در اذهان و افکار عمومی داشته و موجب نگرانی اقشار مختلف جامعه می باشد، به استناد بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ دستور توقیف موقت تعدادی از نشریات مذکور را صادر نمودند.»

تا حقوقدانان و اصحاب جرایم فرصت چند و چون در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی را بیابند و توضیح دهند که این قانون در زمینه



ماشاءالله شمس الواعظین و لطیف صفری

ندارد که در مطبوعه او هیچ خطا و اشتباهی نیست. خود او هم توضیح داد که نباید گمان کنیم که بحران ها در جامعه از مطبوعات ناشی می شود. در واقع مطبوعات بازتاب دهنده وقایع روز جامعه با نگاه های متفاوت هستند. وقتی مهاجرانی گفت که به عنوان وزیر ارشاد نه معتقدم و نه به مصلحت می بینم که روزنامه ای را تعطیل کنیم، خبرنگار یک روزنامه محافظه کار خطاب به وزیر گفت که لحن سخنان و مواضع شما، پس از سخنان اخیر رهبری هیچ تفاوتی با قبل از سخنان ایشان ندارد، وزیر پاسخ داد: «اگر انتظار دارید که وزارت ارشاد از فردا شروع به تعطیل کردن روزنامه بکند، هرگز این وزارتخانه نه چنین اختیاری دارد و نه معتقد به چنین کاری است. اگر روزی من مجبور به تعطیلی روزنامه ها یا ترک وزارت بشوم، قطعاً وزارت را ترک خواهم کرد.»

کاری را که وزیر گفته بود حاضر به انجامش نیست، سه شعبه دادگاه مطبوعات فردای همان روز انجام دادند و ناگهان روزنامه های گزارش روز، بامداد نو، آفتاب امروز، پیام آزادی، فتح، آریا، عصر آزادگان، آزاد و هفته نامه های آبان، ارزش، پیام هاجر و ماهنامه ایران فردا توقیف شدند. خبر توقیف موقت این ۱۲ نشریه ساعت یک بامداد دوشنبه پنج اردیبهشت از طرف روابط عمومی دادگستری برای خبرگزاری جمهوری اسلامی ارسال شد و چنین بود که مسؤولان و کارکنان بعضی از روزنامه ها که با اطمینان یافتن از پایان کار فنی و انتشار روزنامه خود به خانه رفته بودند، صبح همان به همراه خوانندگانشان، دریافتند که توقیف شده اند.

طبیعی بود که اتخاذ تصمیمی چنین از سوی قوه قضاییه بی بازتاب نماند. شکل ها و

شوند» به نوشته صبح، که سپس روزنامه های جوان و کیهان نیز آن را نقل کردند، موضوع مورد اشاره در روزنامه آریا به حکم امام خمینی، پس از عملیات مرصاد اشاره داشت که «به مسؤولان ابلاغ کردند زندانیان محارب و منافقی را که همچنان بر موضع محاربه با نظام و همراهی با منافقین پافشاری می کنند، طبق احکام شرعی به اعدام محکوم نمایند. به نوشته صبح این حکم در شرایطی اجرا و صادر شد که آقای خاتمی، رئیس جمهور، سمت معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا را برعهده داشت و با جدیت از حکم امام حمایت کرده بود.»

بلافاصله پس از سخنرانی مقام رهبری، وزارت ارشاد از مدیران مسؤول مطبوعات خواست که در جلسه ای اضطراری شرکت کنند، روزنامه های کیهان، جمهوری اسلامی، رسالت و قدس با این استدلال که مخاطب آیت الله خامنه ای آن ها نبوده اند، از حضور در این جلسه خودداری کردند.

حاصل نشست را مهاجرانی با خبرنگاران در میان گذاشت و گفت که «قرار است مجموعه نظرات و مذاکرات مطرح شده در جلسه مدیران مسؤول مطبوعات در خصوص بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جوانان در اختیار ایشان به عنوان یک پدر دلسوز و شفیق قرار دهیم... دست اندرکاران مطبوعات، اعضای انجمن صنفی روزنامه نگاران و مدیران مسؤول هم خواستار ملاقات با مقام رهبری و رئیس جمهوری برای ارائه برخی توضیحات و مباحث شدند.»

مهاجرانی همچنین گفت که اغلب مدیران مسؤول مطبوعات از به کار بردن این جمله که برخی مطبوعات پایگاه دشمن هستند، گله دارند ضمن این که هیچ مدیر مسؤولی باور



از این مطبوعات خواستار خویشتنداری شده اند. در اذهان عموم، هر واکنش تند می توانست زمینه بحران تازه ای را فراهم کند که اولین پیامد آن لغو انتخابات مرحله دوم و ابطال انتخابات تهران و در نتیجه به زیر سوال رفتن تشکیل مجلس ششم بود. به همین دلیل بود که دانشجویان معترض به تعطیلی مطبوعات نیز ترجیح دادند که به جای اعتراض سراسری، به نوبت و در دانشگاه های مختلف، در سکوت اعتراض کنند.

یک هفته از ماجرا گذشت. روزنامه ها و تریبون های مختلف جناح راست، در غیبت رقیبان سرسخت دیروز و احتیاط روزنامه های برجای مانده بیان و هم میهن، از حمله به مطبوعات دوم خرداد دست برنداشتند و انواع اتهامات را بر آنان وارد آوردند. مقاله نویس روزنامه اطلاعات فضای پدید آمده را به خوبی بیان کرد و نوشت که قرار قوه قضاییه و هدف از توقیف موقت شماری از روزنامه ها این نبود که فضای جامعه همچنان به چکش گذشته از صاحبان روزنامه های موجود و قلم زدن در آن ها کوبیده شود او به قوه قضاییه و رئیس کل دادگستری تهران توصیه کرد که به بررسی و ارزیابی نوشته های ده روز گذشته از مطبوعات باقی مانده هم بپردازند؛ بخصوص روزنامه هایی که توقیف نشریات و مطبوعات «رقیب» را «فتح الفتوح» برای خود می دانند ... و بدون کمترین دغدغه و یا امکان کنترل و ترس از بازخواست قضایی، هرچه می خواهند می نویسند ... و تا حد تهدید وزیر دولت آن را چرخش می دهند و وزیری را که به طور قانونی عضو هیأت دولت خاتمی است و مسؤولیت یکی از مهمترین وزارتخانه ها را به عهده دارد مخاطب قرار می دهند که با استعفاء بدهد، یا استیضاح شود یا عزل گردد و «البته چنین نوشته و سرمقاله ای نه تضعیف دولت و نه تضعیف نظام است.»

روزهای دیگر که سپری شد، بحث ابطال انتخابات تهران از سوی محافظه کاران با شدت بیشتری پی گرفته شد.

حتی دکتر محمد جواد لاریجانی در مقاله ای در روزنامه رسالت از نحوه برگزاری انتخابات و شمارش آراء تهران به عنوان یک لکه ننگ برای جمهوری اسلامی یاد کرد و آشکارا خواستار ابطال آن شد. بیانیتهای هیأت نظارت شورای نگهبان بر نگرانی های در این باره بیش از پیش افزود. گسویی خویشتنداری مطبوعات دوم خرداد، تأثیری در توقف حمله جناح مقابل نگذاشته بود.

در چنین اوضاعی بود که مردم بر پیشخوان روزنامه فروشی ها، روزنامه تازه ای که نام بهار را برای خود برگزیده بود، دیدند. خبر کوچکی نیز در روزنامه های دیگر خودنمایی می کرد: ۹ روزنامه به زودی منتشر خواهند شد.

آیت الله خامنه ای، در این سخنان که حاضران به دقت آن را یادداشت می کردند، ضمن ابراز نارضایتی از بعضی تندروی ها در جنبه دوم خرداد - به ویژه تأکید بر کنفرانس برلین - گفتند: «جایگاه اصلی شما متن انقلاب و حفظ اصول است، شما با انقلاب بزرگ شده اید و امروز هم که دشمنان اصلی انقلاب را نشانه گرفته اند شما باید در جایگاه حقیقی خود محکم بایستید و با در دست گرفتن ابتکار عمل، با دوستان دیگری که در اصول انقلاب و نظام با هم توافق نظر دارید گردهم آیید ضد انقلاب را منزوی و مرز خود را با آنها مشخص کنید و وحدت ملی را عینیت بخشید، بنده نیز از شما به طور مساوی حمایت خواهم کرد.»

دو هفته بعد و در خطبه های نماز جمعه، آیت الله خامنه ای همین مضمون را در سخنان خود گنجانده و خطاب به دو جناح سیاسی گفتند که بیایید و مرزهای نویی را تعریف کنید. ممکن است از لحاظ سیاسی یک عده از مردم به یک جناح، یک عده هم به یک جناح دیگر متعقد باشند، اما به اسلام معتقدند. خیال نکنند آن روز آن جناح در انتخابات برنده می شود، یک طور است؛ آن روزی که آن جناح دیگر برنده می شود طور دیگری است؛ نه اینها مذاق ها و مسلک های سیاسی است ... این دو جناحی که در داخل نظام قرار دارند، مرزهای دیگری را تعریف کنند. اولاً مرزهای جدیدی را تعریف کنند و قدری بیشتر با هم گرم بگیرند؛ ثانیاً مرزشان را با آن بیگانه ها آشکارتر و واضح تر کنند.

انتشار خبر این جلسه و هشدارهای رهبر انقلاب آرامش بخش فضا بود. جبهه دوم خرداد بلافاصله در بیانیه ای مردم - و دانشجویان را که رهبر انقلاب نیز به آنها اشاره کرده و آشوب و بلوا در محیط های دانشجویی را خطرناک خوانده بود - دعوت به هوشیاری و آرامش کردند.

فضای پدید آمده که شایعه پیش گفته را تقویت می کرد، موضوع مصالحه بر سر تعطیل روزنامه ها و تأیید انتخابات تهران را بر آن افزود، ولی اتفاق بعدی، یعنی تعطیلی صبح امروز و مشارکت هر دو شایعه را باطل کرد. دیدار نمایندگان جبهه دوم خرداد هم با رهبری، نتوانست چرخه ای را که به گردش درآمده بود، از حرکت باز بدارد. پس از آن دادگستری دستور توقیف «آوا»ی اصفهان و جبهه را نیز داد.

به این ترتیب شایعه تازه ای، وسیعتر از هر آن چه تاکنون رزمه می شد بر سر زبان ها افتاد و آن چیزی نبود مگر ابطال انتخابات تهران. این شایعه از آن رو تقویت شد که نشریات دوم خرداد، برخلاف انتظار واکنشی نشان ندادند و در صدد انتشار روزنامه های جایگزین برنیامدند. گفته می شد که مسؤولان ارشاد نیز

مطبوعات موضوعیت ندارد، و اگر هم داشته باشد باید در مواردی اعمال شود که وقوع تخلف در دادگاه محرز شده باشد و سپس خاطی به تخلف خود ادامه دهد، در حالی که بعضی از نشریات تعطیل شده هیچ گاه گذارشان به دادگاه نیفتاده است و یا این که روزنامه آلت جرم نیست و ... خبر تعطیلی دو روزنامه صبح امروز و اخبار اقتصاد نیز از راه رسید. در توفان بیاخاسته حتی سخن محمد حسن ضیائی فردیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز ناشنیده ماند که گفت قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ تمامی قوانین مربوط به مطبوعات قبل از خود را باطل کرده است و بنابراین نمی توان با توسل به قانون اقدامات تأمینی نشریه ای را توقیف کرد، همچنانکه صحبت های مدیر عامل خبرگزاری تازه تأسیس دانشجویان که گفت توقیف نشریات بدترین نوع برداشت از بیانات رهبری انقلاب اسلامی است.

مستند تعطیلی اخبار اقتصاد، همانند نشریات تعطیل شده دیگر بود، اما درباره صبح امروز وضعیت فرق داشت. قاضی مرتضوی در حکم توقیف صبح امروز، به ناتوانی مدیر مسؤول آن، یعنی سعید حجازیان اشاره کرده بود، همین امر باعث شد که وزارت ارشاد در اطلاعیه ای توضیح دهد که بررسی این موارد به عهده هیأت نظارت است و آن هم در مواردی که یک مدیر مسؤول سه ماه نتواند به مسؤولیت خود ادامه دهد، به این ترتیب صبح امروز بار دیگر منتشر شد.

ادامه انتشار صبح امروز، به همراه مشارکت و بیان بحث هایی را در انداخت و بعضی کسان در اولین گمانه زنی ها آن را نشانه توافق میان جناح های مختلف سیاسی دانستند. به این معنی که در این توافق، مطبوعات به دو دسته خودی و غیر خودی تقسیم شده، غیر خودی ها را تعطیل کرده اند و قرار بر این است که هر جناح خودی یک نشریه بیشتر نداشته باشد. این شایعه در حد رزمه بود که خبر ملاقات نمایندگان جبهه دوم خرداد با مقام معظم رهبری منتشر شد.

اینکه مهدی کروبی، هادی خامنه ای، مجید انصاری، بهزاد نبوی، محمدرضا خاتمی، محمد سلامتی و دکتر نجفی (از سوی حزب کارگزاران سازندگی)، جمعی که پنج نفرشان منتخبان انتخابات اخیر بودند و جای نمایندگان از دفتر تحکیم وحدت و خانه کارگر (بازوان دانشجویی و کارگری جنبش مدنی) در میانشان خالی بود، در دیدار با آیت الله خامنه ای چه گفتند، در خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی و دفتر مرکزی خبر صدا و سیما بازتابی نیافت.

سخنان رهبر انقلاب نیز به فاصله دو روز انتشار یافت، آن هم نه با صدای ایشان.



نطق آتشین هاشمی انتقام، انتحار یا فداکاری



در نخستین جلسه مجلس بعد از تعطیلات نوروز، ناطق نوری گفت «ترور فیزیکی و حذف فیزیکی امنیت را به خطر می اندازد اما ترور شخصیت کمتر از ترور فیزیکی نیست. حذف خدمتگزاران یک کشور و نظام از صحنه و آنان را آماج تهمت قرار دادن خطرناک تر از ترور فیزیکی است و متأسفانه به آن توجه نمی شود و باعث سلب امنیت می باشد و همه به هم حق می دهند تلاش کنند و عکس العمل نشان بدهند» در همان هنگام یکی از نمایندگان اقلیت (هوادار دولت) در مجلس پنجم نگاهی به همفکر خود کرد که دو صندلی دورتر نشسته بود، یکی دیگر از نمایندگان به سیدحسین مرعشی توجه داد و صدای خنده یکی از نمایندگان فعلی تهران بلند شد. آیا نخستین اعتراض علنی محافظه کاران به حملاتی که در روزنامه های دوم خرداد به آقای هاشمی شده بود، نشان می داد در تعطیلات نوروزی دید و بازدیدها و همفکری هایی بین مخالفان اصلاحات با رئیس مجمع تشخیص مصلحت رخ داده است؟ در پاسخ این سؤال عده ای معتقد بودند با همه اتفاق هایی که بعد

برایش امضا جمع کنند، با بی میلی و بی اعتنایی دیگر نمایندگان روبه رو شدند. نمایندگان نزدیک به هیأت مؤتلفه حرارت بسیار از خود نشان می دادند، اما دیگران که می دانستند زمانی برای به ثمر رساندن استیضاح وجود ندارد، حاضر نبودند بر ورقه ای امضا گذارند که اثری بر آن مترتب نبود. اعلامیه های شورای نگهبان کار خود را کرده و تندترین مخالفان دولت و اصلاحات سیاسی که موفق به کسب آرا در انتخابات مجلس ششم نشده بودند - زادسر، عباسی، رسولی نژاد، مطهر کاظمی - لبخند به لب داشتند. گرچه نجابت، موحیدی ساوجی، حسینی (اخلاق خانواده) از این شادمانی محروم بودند ولی به قول یکی دیگر از نمایندگان تهران، آنها نیز حق داشتند تا زمانی که شورای نگهبان انتخابات تهران را تأیید نکرده امیدی در دل داشته باشند. جلسه مجلس آرام گذشت، روز کارگر در پیش بود. دانشجویان دانشگاه های کشور نیز که هفته قبل ملتهب بودند و در چند جا دست به تظاهرات آرامی زده بودند، اینک با اطلاعیه احزاب و به ویژه دفتر تحکیم وحدت، آرام در سر کلاس ها بودند. گرچه می شد التهاب را در آنان دید. دفتر تحکیم وحدت در اطلاعیه ای که بعد از خطبه های آتشین هاشمی رفسنجانی صادر کرد اعلام داشت که شایعات درست نیست، کلاس های درس تعطیل نیست و دانشجویان به پیروی از خواست رئیس جمهور از هرگونه تحصن، تجمع و اقدام احساسی که زمینه پرور آشوب در محیط های علم و دانش می شود، پرهیز دارند. حتی دستگیری علی افشاری عضو دفتر تحکیم وحدت - شرکت کننده در کنفرانس برلین - هم نتوانست، این دستورالعمل را باطل کند. حالا دیگر مانده بود که رئیس جمهور به صدا آید. آقای خاتمی در اجتماع کارگران، از مردم خواست که به سخنان و خطابه های تحریک آمیز بی توجه باشند، آرامش را حفظ کنند ولی تأکید کرد که مردم رأی داده اند و حق دارند برای آن لحظه شماری کنند. یعنی برای حادثه ای که شورای نگهبان، باز هم با صدور اطلاعیه ای آن را به تأخیر انداخت. اعلام نتایج انتخابات تهران. بهزاد نبوی که در جلسه دیدار با رهبری نیز صریح تر و بیشتر از دیگران مسایل را مطرح کرده بود، این بار نیز خطاب به دانشجویان گفت بهوش باشید، می خواهند تحریکشان کنند. اما او نیز مسئولان را از بازی با رأی میلیون ها مردم برحذر داشت.

سخنرانان برلین، احضار و بازداشت

با بازگشت سخنرانان برلین، دادگستری یکی یکی آن ها را احضار کرد، در فاصله یک هفته شهلا لاهیجی، مهرانگیز کار و علی افشاری زندانی شدند، عزت الله سبحانی و حمیدرضا جلائی پور با ضمانت آزاد شدند، دادگاه عمادالدین باقی آغاز شد و رسانه های همگانی جهان خبر دادند که اصلاح طلبان و مظهر آنها محمد خاتمی با بزرگترین چالش خود، بعد از دوم خرداد، روبه رو شده اند. اما همزمان با بالاگرفتن انتقادات از خطبه آتشین رئیس جمهور سابق، در حالی که دادگاه متهمان نظامی حمله به کوی دانشگاه ادامه داشت سردار نظری که در روزهای گذشته از لباس شخصی ها که دانشجویان را هم جزء آن ها می دانست سخن می گفت خود را بی گناه می دانست، این بار با نام بردن از وزیر کشور، معاون وزارت کشور و مقامات دانشگاهی انتقاد خود را متوجه آنها کرد. انتشار خبر آزاد شدن متهمان قتل های زنجیره ای - همه به جز دو تن از همکاران اصلی سعید امامی - خبر داد که جریان رسیدگی به پرونده ای که تمام سال گذشته نظرها به آن بود روال دیگری به خود گرفته است. تنها خبر خوش برای اصلاح طلبان این بود که سعید حجابیان، آرام آرام به زندگی برمی گردد. گفتن و خواندن آغاز می کند و همین روزهاست که از بیمارستان مرخص شود. وقتی تصویر او نشسته بر یک صندلی، با چشمانی هوشیار در روزنامه ای چاپ شد، سعید عسگر که او را با شلیک گلوله ای به مرز مرگ نزدیک کرد در دادگاه می گفت مرده و زنده ماندن حجابیان برای ما فرقی نداشت، قصدم تنبیه او بود. عسگر که وقتی برای سخن گفتن برخاست مادرش برای او صلوات فرستاد، در ضمن به ترور شفيعی هم اعتراف کرد و گفت حکم شرعی ترور را - نه چنان که قاضی پرسید از فردی به نام عظیم بلکه - با اطمینان به قسم و قول مقدمی دریافت داشته است.

نمایندگان مجلس - همه به جز آنها که درگیر مرحله دوم انتخابات بودند - وقتی یکشنبه، با عجله خود را به مجلس رساندند، در انتظار خبرهای مهمتری بودند. بعضی خود را زودتر رسانده به اتاق رئیس رفتند. در میان ناطقین قبل از دستور زادسر نماینده جیرفت از همه تندتر رفت. او وزیر کشور و وزیر ارشاد را - مانند پیش - به باد حمله گرفت، اما چند نفری که ورقه استیضاح دوباره دکتر مهاجرانی را آماده کرده بودند تا با توجه به فضای پدید آمده بعد از نطق آتشین هاشمی رفسنجانی،



حرف هایی که می زنند خانم برهنه دارد آنجا می رقصد چرا این را نشان دادید این ها حرف است، هر شب شما دارید از این فیلم ها می بینید. کسی غصه این چیزها را نمی خورد، لاقبل شماها نمی خوردید. حالا اگر دیگران غصه می خورند، آن ها روی این یکی حرفی ندارند و حاضرند لخت ترش هم دیده شود. حقایق باید روشن شود.»

واکنش تند جبهه مشارکت، مجمع نیروهای خط امام و دیگر احزاب تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد قابل پیش بینی بود، حتی علی اکبر محشمی در سرمقاله روزنامه بیان به تلوین خواهان محاکمه هاشمی به اتهام «تهدیت و افترای بزرگ» شد. همزمان با خطبه های آتشین رئیس مجمع تشخیص مصلحت، مرخصی نمایندگان مجلس لغو شد و چون جلسه ای پیش بینی نشده برای روز یکشنبه اعلام گردید، زمزمه ها بر آن قرار گرفت که در آن جلسه طرح عدم کفایت رئیس جمهور تدارک دیده خواهد شد، اما چنین نشد و حتی طرح تهیه شده توسط چند تن از تندروان جناح محافظه کار برای استیضاح دکتر مهاجرانی و موسوی لاری وزیر کشور در دست ها ماند.

مهم ترین نکته خطبه های آتشین هاشمی رفسنجانی شبیه سازی تاریخی وی بود که می گفت الان عیناً شرایط مملکت مانند سال های ۵۸ تا ۶۰ است. سال هایی که مهم ترین مشخصه اش استعفای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت و برکناری بنی صدر نخستین رئیس جمهوری اسلامی بود (دو حادثه ای که هاشمی رفسنجانی در پدید آمدن آن نقش اول را داشت). این شبیه سازی - به گفته علی اکبر محشمی - حتی بسیاری از رهبران جناح راست را نیز ناخشنود کرد.

سخنرانی هاشمی فقط اعتراض جناح دوم خرداد را برنیا نگیخت، در پی آن، اختلاف درونی رهبری کارگزاران سازندگی هم که به شدت پنهان می شد، از پرده برون افتاد. کرباسچی، دبیرکل این حزب با اعلامیه ای کوتاه حساب خود را از دفتر سیاسی زیر تسلط محمد هاشمی جدا کرد، این غملا بدان معنا بود که کارگزاران سازندگی در کوره حوادث در حال ذوب شدن هستند. به اعتقاد صاحب نظران سیاسی، برای هاشمی رفسنجانی، توجه به همین آخرین اتفاق برای پی بردن به تفاوت میان امروز با تمام سال های اولیه انقلاب کافی بود.

می گرفتند که احتمال بازگشت هاشمی به صحنه همچون سال های اول دهه هفتاد وجود ندارد و او خواهد کوشید تا تصویر خود را به عنوان کسی که زمینه اصلاحات دوم خرداد را فراهم آورد تقویت کند و از طریق حزب کارگزاران سازندگی، ضمن حفظ پیوند با هواداران دولت خاتمی، نیروهای معتدل محافظه کار را نیز به خود بخواند و همچون پیش نقش متعادل کننده را در رقابت های سیاسی عهده دار شود.

در مقابل این استدلال ها و گمانه زنی ها که از طریق چند عضو رهبری حزب کارگزاران به آقای هاشمی رفسنجانی هم منتقل می شد، گروهی بر این باور بودند که مقالات اکبر گنجی، عمادالدین باقی و گفته ها و نوشته های سعید حجاریان، عباس عبدی و محمدرضا خاتمی کار خود را کرده و زمینه را برای کاری که افرادی مانند مهدوی کنی و ناطق نوری آماده اجرای آن بودند فراهم آورده. یعنی نتیجه دید و بازدیدهای نوروزی و ملاقات های مهدوی کنی، عسکراولادی و ناطق نوری و بعضی از شخصیت های نظامی با رئیس مجمع تشخیص مصلحت، هاشمی رفسنجانی را به جایی رسانده که دست کم به تعبیری یکی از هواداران برجسته او «خودکشی سیاسی» تلقی می شود.

دریافت آن که کدام یک از گمانه زنی ها در مورد گفتگوهای نوروزی به نتیجه رسیده و انتخاب آقای هاشمی کدام است سه هفته ای زمان برد. سه هفته داغ و پرماجرا تا آن که نوبت به اقامه نماز جمعه تهران به هاشمی برسد. در این خطبه که بسیاری گوش ها به آن سپرده شده بود، از همان ابتدا کسانی پایان ماجرا را حدس زدند. رئیس جمهور سابق در همان خطبه اول بحث پیشین خود در باره اخلاق در اسلام را رها کرد و به سراغ حوادث روز رفت. در همه هجده سال گذشته کسی چنین سخنرانی تندی از او نشنیده بود. شدیدترین تعبیرها که پیش از آن، در این مکان از آیت الله جنتی و محمد یزدی هم شنیده نشده بود نثار اصلاح طلبان شد. کسی که بارها خطبه های آرام بخش خواند این بار از «عمل کردن حسینی» یاد کرد و به گفته مفسر سی.ان.ان شمشیر برکشید. هاشمی تا آنجا رفت که به کسانی که به پخش فیلم کنفرانس برلین، به دلیل نشان دادن صحنه رقص در ماه محرم و ایام سوگواری اعتراض کرده بودند به طعنه و با لحنی تحقیرآمیز گفت: «حالا

از نامزد شدن هاشمی رفسنجانی برای نمایندگی تهران رخ داد و در پایان آن دست کم ماه عسل بخشی از موافقان و نزدیکان رئیس جمهور سابق با اصلاح طلبان پایان گرفت، بازگشت آقای هاشمی به سوی دوستان قدیمی و همفکران سابق خود غیرممکن است. این گروه به فشارهایی اشاره می کردند که اکثریت مجلس چهارم و پنجم در دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی به وی وارد کردند و در پایان نیز در زمانی که حزب کارگزاران سازندگی تشکیل شد - که صف آرای مستقیمی در برابر جناح محافظه کار در جریان انتخابات مجلس پنجم بود - رویارویی بین محافظه کاران و هاشمی و نزدیکانش حاد شد و بعدها تا جایی ادامه یافت که کرباسچی به زندان رفت، و روزنامه فایزه هاشمی را دادگاه انقلاب تعطیل کرد همچنین در نماز جمعه تهران هنگامی که آقای هاشمی جمله ای با احتیاط در دفاع از مدیر شاخص خود در دوران سازندگی، غلامحسین کرباسچی، گفت اتفاقی افتاد که در بیست سال عمر جمهوری اسلامی هرگز نیفتاده بود، عده ای فریاد اعتراض سر دادند و اعدام غارتگر بیت المال را خواستند. هنوز ضربه این حادثه آشکار نشده بود که رسولی نژاد نماینده محافظه کاران از دماوند تهدید کرد که در صورت ادامه یافتن حمایت هاشمی رفسنجانی از کرباسچی که توسط محسنی اژه ای به زندان محکوم شده بود اسناد و مدارک مربوط به ارتباط مالی خانواده هاشمی را با شهرداری تهران - با جزئیات و شماره پلاک - افشا خواهد کرد. چندی بعد که کتاب ناگفته های دادگاه کرباسچی آماده شد، محمد یزدی که آخرین روزهای حضور خود در ریاست قوه قضایی را می گذراند در مقدمه خود، هنگام برشمردن فعالیت های ده ساله قوه قضایی به یک پرونده اختلاف خانوادگی اشاره کرد که مطلعان می دانستند اشاره او تعریفی است به کبی که از ابتدای پیروزی انقلاب و در جریان استقرار جمهوری اسلامی پس از بنیادگذار جمهوری اسلامی، یکی از سه ستون اصلی و در بیست سال پرماجرا همواره مرد دوم جمهوری اسلامی بوده است.

این عده که قرار گرفتن هاشمی رفسنجانی را به عنوان پرچمدار ضد اصلاحات غیرممکن می دانستند، به سوابق و عملکرد وی هم اشاره می کردند که او را سزاوار لقب «شخصیتی عملکرد و واقع بین» قرار داده بود. لقبی که بارها از سوی ناظران داخلی و خارجی به او داده شد. آنان از همین استدلال نتیجه